

Psychiatric Social Work and Effective Strategies to Reduce the Care Gap in Mental Health Services

A Comprehensive, Cross-Sectoral, and Community-Oriented Look

Maryam Zabihi Poursaadati: Ph.D. student of social work, department of social work, University Of Social Welfare And Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

Jafar Bolhari*: Professor, spiritual health research center, Iran University Of Medical Sciences, Tehran, Iran. bolharij@yahoo.com

Abstract

Introduction: Despite the significant prevalence of psychiatric disorders and the high global burden of these, a large proportion of people with severe psychiatric disorders do not receive the services they need, which is called the care gap, and one of the goals of world health organizations is to reduce this gap. The purpose of this study is to review the most important global and regional strategies to reduce the care gap.

Methods: This was a review method study. The search had done in following databases in the period 2010-2020: pubmed, science direct, proquest in English as well as sid, magiran, and noormags in Persian with the following keyword: mental health services, treatment gap, and accessibility, care gap, remote care, and long-distance intervention in English and also mental health services, remote care, treatment gap and access to services in Persian. A total of thirty-seven documents were studied and the findings of the strategies were summarized.

Results: These studies pointed four general strategies to reduce the care gap. Includes integration of mental health services in primary health care; distance care; capacity building and using trained non-specialists; and community-based care. These strategies are especially recommended for low and middle income countries, and various studies have examined their effectiveness.

Conclusions: Integrating mental health care into the primary health care is the most important macro strategy in mental health system. Limiting psychiatric treatment to medication neglects other aspects that affect the incidence, relapse, and exacerbation. Psychiatric social workers need new approaches in working with these people. Psychosocial support and social workers are the missing link in the mental health care system.

Keywords

Mental Health, Care Gap, Community-Based, Psychiatric Social Work, Virtual Care, Remote Psychosocial Support, Integration

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 10 May 2021
Accepted: 19 Jun 2022

Please cite this article as follows:

Zabihi Poursaadati M, and Bolhari J. Psychiatric social work and effective strategies to reduce the care gap in mental health services; a comprehensive, cross-sectoral, and community-oriented look. Quarterly journal of social work. 2022; 11 (2); 30-40

مددکاری اجتماعی روانپزشکی و راهبردهای موثر در کاهش شکاف مراقبتی در خدمات سلامت روان نگاهی جامع، بین بخشی و اجتماع محور

مریم ذبیحی پورسعادت: دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.
جعفر بوالهری*: استاد، مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. bolharij@yahoo.com

واژگان کلیدی

سلامت روان، شکاف مراقبتی، اجتماع محور، مددکاری اجتماعی روانپزشکی، مراقبت مجازی، حمایت‌های روانی اجتماعی از راه دور، یکپارچه‌سازی

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

چکیده

مقدمه: به رغم شیوع قابل توجه اختلالات روانپزشکی و بار جهانی بالای این بیماری‌ها، بخش زیادی از افراد مبتلا به اختلالات روانپزشکی خدمات مورد نیاز خود را دریافت نمی‌کنند که از آن به شکاف مراقبتی یاد می‌شود و یکی از اهداف سازمان بهداشت جهانی کاهش این شکاف مراقبتی است. هدف از این مطالعه مرور مهمترین راهبردهای جهانی و منطقه ای برای کاهش شکاف مراقبتی است.

روش: این مطالعه به روش مروری و با جستجو در پایگاه‌های پاب مد، ساینس پروکوست و نیز اس ای دی، مگ ایران و نور مگ در بازه زمانی ۲۰۲-۲۰۱۰ با کلیدواژه‌های mental health services، treatment gap، accessibility، care gap، remote care و long distance intervention به زبان انگلیسی و نیز خدمات سلامت روان، مراقبت از راه دور، شکاف درمانی و دردسترس خدمات به زبان فارسی انجام شد. در مجموع سی و هفت سند مطالعه شدند و یافته‌های مربوط به راهبردها خلاصه شد.

نتایج: در این مطالعات به چهار راهبرد کلی برای کاهش شکاف مراقبتی اشاره شده است که شامل ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات سلامت روان در سیستم مراقبت اولیه؛ مراقبت‌های از راه دور؛ ظرفیت‌سازی و به کارگیری نیروهای غیرمتخصص آموزش دیده؛ مراقبت‌های مبتنی بر اجتماع می‌باشد. این راهبردها به‌ویژه به کشورهای با درآمد پایین و متوسط توصیه شده‌اند و مطالعات مختلف اثربخشی آن‌ها را بررسی کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: ادغام یا یکپارچه‌سازی مراقبت سلامت روان مهمترین راهبرد کلان در سلامت روان است. چرا که درمان در بیمارستان‌های روانپزشکی، درمان دارویی صرف، روان‌درمانی و مشاوره بدون پرداختن به عوامل اجتماعی موثر در اختلالات سلامت روان به ناکارآمدی رسیده است. مددکاران اجتماعی در نظام سلامت و به‌ویژه مددکاران اجتماعی روانپزشکی در کار با بیماران روان نیازمند این رویکرد نوین می‌باشند. حمایت روانی اجتماعی و مددکاران اجتماعی دو حلقه مفقود در نظام مراقبت سلامت روان هستند.

مریم ذبیحی پورسعادت و جعفر بوالهری. مددکاری اجتماعی روانپزشکی و راهبردهای موثر در کاهش شکاف مراقبتی در خدمات سلامت روان، نگاهی جامع، بین بخشی و اجتماع محور. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۱؛ ۱۱ (۲): ۳۰-۴۰

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

اختلالات روانپزشکی یکی از چالش‌های جوامع از دیرباز بوده و دیدگاه‌های مختلفی به دلایل ایجاد آن و درمان آن وجود داشته است. طی قرن بیستم رویکرد زیستی-درمانی حاکم موجب گسترش دانش نسبت به مشکلات روانپزشکی و ظهور داروهای آنتی سایکوتیک نسل اول و دوم در درمان این اختلالات شد. به تدریج رویکردهای زیستی-روانی-اجتماعی و پس از آن رویکرد فرهنگی، دینی-معنوی منجر به تکامل و جامعیت نه تنها در درمان، بلکه پیشگیری از عود، بازگشت به خانواده، جامعه و توانمندسازی افراد مبتلا به اختلال روانپزشکی و اهمیت درمان‌های غیردارویی به عنوان درمان‌های اساسی این اختلالات شد. [۱]

با وجود گسترش درمان‌های دارویی-روانی-اجتماعی شیوع این اختلالات در جهان بالاست و سازمان جهانی بهداشت در آخرین بررسی خود در خصوص بار جهانی بیماری‌ها شیوع اختلالات روانپزشکی در جهان را در سال ۲۰۱۶ یک میلیارد و صد و یازده میلیون نفر گزارش کرده است. [۲] در ایران طبق گزارش پیمایش ملی سلامت روان در سال ۱۳۸۹، شیوع اختلالات روانپزشکی بیست و سه و شش درصد می‌باشد؛ یعنی تقریباً از هر چهار ایرانی در سن پانزده تا شصت و چهار ساله، یک نفر از یک یا بیشتر از یک مورد اختلال روانپزشکی رنج می‌برد. [۳] این در حالی است که مطالعات نشان داده بین چهل و چهار تا هفتاد درصد افراد مبتلا به اختلال روانپزشکی هیچ درمانی را از متخصصین دریافت نمی‌کنند. [۴ تا ۸] که این آمار در کشورهای با درآمد پایین و متوسط برای افراد مبتلا به اختلال شدید روانپزشکی بین هفتاد و شش تا هشتاد و شش درصد می‌باشد. [۹]

این شکاف بین تعداد افرادی که نیاز به خدمات روانپزشکی دارند و تعداد افرادی که خدمات روانپزشکی را دریافت می‌کنند، شکاف درمانی نامیده می‌شود. [۴] این امر دلایل مختلفی مانند ضعف آگاهی در خصوص اختلالات روانپزشکی، در دسترس نداشتن خدمات روانپزشکی به دلیل فاصله جغرافیایی، پیش داوری و انگ، تبعیض، مشکلات جسمی، ضعف پوشش بیمه‌ای و هزینه‌های بالای درمان دارد. [۴، ۷، ۱۰ تا ۱۲] مددکاران اجتماعی به عنوان یکی از اعضای تیم درمان و توانبخشی روانپزشکی هستند که به دلیل رویکردهای اجتماعی که به بیماری‌ها و اختلالات دارند نقش مهمی را در کاهش عوامل اجتماعی موثر در ایجاد ناتوانی، بازگشت بیماری، افزایش بازگشت به جامعه و توانمندسازی و از بین بردن انگ و تبعیض اجتماعی برای افراد مبتلا به اختلالات روانپزشکی ایفا می‌کنند. بنابراین لازم است از راهبردها و سیاست‌های موثر در کاهش شکاف درمانی آگاه شوند.

یکی از راه‌های کاهش این شکاف درمانی که در دیدگاهی جامع‌تر می‌توان آن را «شکاف مراقبت» نامید، شناسایی راهبردهای اثربخش و از نظر اقتصادی به صرفه است. [۸] از سال‌های دور و بیشتر پس از اعلامیه آلماتا در سال ۱۹۷۹ و به دنبال آن طی چند دهه اخیر سازمان جهانی بهداشت تلاش کرده با استفاده از رویکردهای بین بخشی، جامع و جامعه محور، نهادهای مختلف را در عرضه خدمات جامع، فراگیر و یکپارچه به افراد نیازمند به خدمات روانپزشکی بسیج کند. [۵، ۱۳ تا ۱۵] جنبش‌های موسسه‌زدایی نقش مهمی در تغییر رویکرد از مدل‌های زیستی به مدل‌های زیستی-روانی اجتماعی داشت به نحوی که امروزه فرایند درمان و توانبخشی بیماران روانپزشکی مانند گذشته محدود به مراکز بستری یا سرپایی روانپزشکی نیست و نمی‌توان نقش مهم سازمان‌ها، اجتماع، خانه، محیط کار، محله، مراقبین و به عبارتی محیط فیزیکی و انسانی را که توان گیرنده یا مراجع در آن به سر می‌برد، نادیده گرفت. [۱۶ تا ۱۹] توجه به عرضه مراقبت‌های سلامت روان در بافتاری که مراجع حضور دارد و استفاده از ظرفیت محیط برای مراقبت از جمله راهکارهایی بوده که ضمن کاهش هزینه‌ها افزایش دسترسی به خدمات سلامت روان را در پی داشته است. [۴، ۱۳ و ۲۰] در چنین مداخلات اجتماع محور، حضور مددکار اجتماعی، روانشناس اجتماعی، پرستار اجتماعی و پزشک اجتماعی و گاه موفقت‌ر از آن‌ها مراقب سلامت چندمنظوره بوده است که در ایران به نام‌های به‌ورز، کاردان و کارشناس بهداشتی موجب موفقیت‌های بسیاری شده‌اند.

دسترسی به خدمات سلامت روان و بهره‌مندی از مراقبت مناسب و به موقع از زمان شروع پاندمی کرونا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در روزهایی که افراد موظف به رعایت پروتکل‌های بهداشتی مانند کاهش تردد در شهر و رعایت فاصله اجتماعی هستند یا بسیاری به دلیل شدت نشانه‌های جسمی و روانی اجازه خروج از خانه را ندارند، نگرانی‌ها از بابت کاهش مراجعه افراد مبتلا به اختلال روانپزشکی به مراکز درمانی افزایش یافته و نیاز به راهبردهایی نوین برای پاسخگویی به این

شرایط را بیشتر کرده است. [۲۱]
در این مقاله سعی شده به این سوال پاسخ داده شود چه رویکردها و چشم اندازهایی در مراقبت سلامت روان می تواند کاهش شکاف مراقبتی و افزایش دسترسی به خدمات سلامت

روان را در پی داشته باشد. پاسخ به این سوال برای سیاستگذاران، تصمیمگیران، مدیران اجرایی و متخصصین سلامت روان و نیز برای مخاطبان اصلی این مقاله مددکاران اجتماعی و مشتاقان کار در جامعه و کار با نیازمندان سلامت روان راهگشا خواهد بود.

روش

این مطالعه یک مرور ادبیات به منظور شناسایی سیاست ها، رویکردها و چشم اندازهایی است که در کاهش شکاف مراقبتی در مراقبت سلامت روان نقش اساسی بازی می کند. بدین منظور جستجو در پایگاه های اطلاعاتی، Science Direct، Pubmed، Proquest و نیز Sid، Magiran و Noormags در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰ با کلیدواژه های Mental Health Services، Treatment Gap، Accessibility، Care Gap، Remote Care به زبان انگلیسی و نیز خدمات سلامت روان، مراقبت از راه دور، شکاف درمانی و در دسترس خدمات به زبان فارسی انجام شد و مقالاتی که به بیان چالش ها، چشم اندازها، سیاست ها، برنامه های اقدام و مداخلاتی در این راستا پرداخته بودند و متن کامل آن ها در دسترس بود، مرور شدند.

یافته ها

در این مطالعه به مرور ادبیات موجود در خصوص راهبردهای موثر در کاهش شکاف مراقبتی در خدمات سلامت روان پرداخته شد. در مجموع سی و هفت سند مرور شد که پنج سند مربوط به گزارش ها و بیانیه های سازمان بهداشت جهانی و سی و دو سند مقاله های منتشر شده می باشد. به طور کلی خدماتی که از سوی سازمان های جهانی یا نظام های سلامت به کار گرفته می شوند تا شکاف مراقبتی را کاهش دهند به چهار دسته می توان تقسیم کرد که به ترتیب پرتکرارترین عبارتند از: - ادغام و یکپارچه سازی مراقبت های سلامت روان در سیستم مراقبت اولیه به نحوی که خدمات سلامت جسمی و روان در مراکز سلامت محلی عرضه شوند. - مراقبت های از راه دور که عمدتاً از طریق تلفن، تلفن همراه، نرم افزارهای گوشی های هوشمند و یا مبتنی بر صفحات وب انجام می شوند. - ظرفیت سازی و به کارگیری نیروهای غیر متخصص آموزش دیده که عمدتاً در مراکز خدمات سلامت محلی و در مراکز و شهرهای بزرگ به صورت کار تیمی به کار گرفته می شوند. - مراقبت های مبتنی بر اجتماع. اگرچه این چهار راهبرد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند ولی در زیر به هر یک از آن ها به طور جداگانه پرداخته می شود.

ادغام مراقبت های سلامت روان در مراقبت یکپارچه ادغام مراقبت های سلامت روان
در شبکه بهداشت اولیه است که هدف از آن مواجه با نیازهای چندگانه سلامتی از طریق عرضه خدمات چندوجهی و درهم تنیده در یک مرکز درمانی محلی می باشد [۱۰] و به دلیل نقش آن در افزایش سطح رضایت بیمار، کیفیت مراقبت و هزینه اثربخشی مراقبت [۲۲] مورد توجه نظام های سلامت در کشورهای مختلف بوده است. [۲۳] مراقبت یکپارچه رویکردی برای غلبه بر مراقبت های جزیره ای است به ویژه در خصوص افرادی که نیازهای سلامتی چندگانه دارند و به مراقبت طولانی مدت نیاز دارند. [۲۴] ویژگی هایی مانند تماس در دسترس، هماهنگی خدمات، جامعیت و استمرار مراقبت [۲۵] در شبکه مراقبت اولیه، موجب توصیه سازمان بهداشت جهانی به ویژه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط برای ادغام خدمات سلامت روان در این شبکه شده. [۲۶ و ۲۷] کشور ما نیز که پیشگام این برنامه در کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای دنیاست، اثربخشی آن در مطالعات مختلف سنجیده شده و نشان از افزایش سطح دسترسی و کاهش شکاف مراقبتی دارد. [۲۸ تا ۳۲] متخصصین معتقدند این ادغام مزیت های بسیاری مانند افزایش دسترسی به خدمات سلامت روان برای افراد نیازمند به مراقبت، ایجاد فرصت برای کاهش انگ مشکلات سلامت روان و کاهش هزینه ها را در پی دارد. [۶، ۹، ۱۴ و ۳۳] همچنین این ادغام، میزان تشخیص و درمان اختلالات روانی را بهبود می بخشد و دسترسی و مراقبت جامع را برای همبودی اختلالات جسمی و روانی افزایش می دهد. [۳۴]

باتوجه به این که این مدل در مراکز مراقبتی محلی عرضه می شود، حساسیت های فرهنگی آن مکان نیز در نظر گرفته

می شوند، مشکلات دسترسی به خدمات و خدمات پرهزینه کاهش می یابد و از سوی دیگر انگ ناشی از مراجعه به متخصص روان کاهش پیدا می کند. به این ترتیب مدل ادغامی بالقوه این ظرفیت را دارد که کیفیت مراقبت را افزایش دهد و رفتار جستجوگر کمک را در افراد مبتلا بهبود بخشد و بدین طریق شکاف مراقبت را کاهش دهد. [۳۵]

گزارش سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد هماهنگی مراقبت اولیه و سلامت روان این فرصت را فراهم می کند که مراقبت از بیمار بیشتر به صورت جامع و کمتر به صورت جزیره ای باشد. همچنین در این گزارش به ضرورت آموزش افراد غیرمتخصص محلی و انجام نظارت دقیق بر آن ها توسط افراد متخصص تاکید شده است تا این افراد بتوانند به درستی مهارت های خود را در تشخیص، غربالگری، تشخیص و مدیریت اختلالات روانپزشکی توسعه دهند. [۳۶]

مطالعات مختلفی به اثربخشی ادغام سلامت روان و مراقبت اولیه پرداخته اند. این مطالعات نشان داده اند که این مدل در کشورهای با درآمد پایین و اقلیت ها اثربخش است. این مدل ها ضمن کاهش تبعیض و دسترس نبودن به خدمات، کیفیت خدمات را بهبود بخشیده اند و منجر به ارتقا سطح آگاهی نسبت به اختلالات روانی شده اند. [۲۸، ۳۰، ۳۷ تا ۴۰]

موانعی نیز در راه این ادغام وجود دارد. مساله های مانند آموزش ناکافی به عرضه کنندگان مراقبت در سطوح اولیه، نگرش ضعیف آن ها در مورد اختلالات روانپزشکی، مهارت های اندک مراقبین سلامت در ارزیابی و تشخیص اختلال، بی توجهی به سطوح اولیه مراقبت توسط سیاستگذاران و مدیران نظام سلامت از جمله این موانع هستند. [۲۷]

مراقبت های از راه دور: مراقبت های از راه دور گرچه در گذشته با تیم سیار، آمبولانس، پرواز و پست انجام می شد، اما در دهه اخیر عمدتاً از طریق فناوری های نوین امکان پذیر است. فناوری های نوین این ظرفیت را دارند که دسترسی به خدمات موثر را به شیوه مقرون به صرفه ای افزایش دهند، به گروه متنوع تر و وسیعتری از مراجعین خدمت دهی کنند و انگ بیماری را کاهش دهند. [۳۵ و ۴۱]

ببخشی از دسترسی نداشتن به خدمات سلامت روان که به دلیل محل جغرافیایی گیرنده خدمت، هزینه های بالای حمل و نقل، ناتوانی در جابه جایی به دلیل بیماری جسمی یا روانی جدی اتفاق می افتاد، با استفاده از مداخلات از راه دور کاهش می یابد و خدمات از راه دور در ارزیابی شیوع و وضعیت عمومی بیماری، غربالگری، تشخیص، مدیریت، پژوهش، پایش، ارزشیابی و جمع آوری داده، آموزش، همچنین درمان، پیگیری و توانبخشی نقش موثری ایفا می کند. [۳۵ و ۴۲]

شکل اولیه خدمات از راه دور به صورت خدمات تلفنی بوده است که در سلامت روان تحت عنوان روانپزشکی تلفنی یا خدمات سلامت روان تلفنی انجام می شد و اثربخشی آن برای روان درمانی، مشاوره و آموزش سلامت روان در مطالعات مختلف بررسی شده است. [۳۵، ۴۳ و ۴۴]

پیام تلفنی نیز یکی دیگر از اشکال فناوری است که به دلیل دسترسی گسترده جهانی، هزینه کم، قابلیت ارتباط فوری و نیاز کم به مهارت های فناوری دسترسی به خدمات را افزایش داده و کاهش شکاف مراقبتی را به دنبال دارد. [۴۵ تا ۴۸]

برنامه های کاربردی در تلفن های همراه هوشمند یکی دیگر از اشکال مراقبت از راه دور هستند که نشان داده اند می توانند پابندی به درمان را افزایش داده و تغییر رفتار را موجب شوند و پذیرش بیشتری از سوی گیرندگان خدمت داشته اند. [۴۸ و ۴۹]

در نهایت برنامه های روان درمانی مبتنی بر وب که بیشتر خدمات سلامت روان را به بیماری های خفیف و متوسط عرضه می کنند و در کشورهای توسعه یافته یکی از گزینه های محبوب شمرده می شود و می توان با تمهیداتی به صرفه یا ارزان این راهبرد را در کشورهای با درآمد پایین و متوسط نیز گسترش بخشید. [۳۵]

این مداخلات با وجود مزیت هایی همچون افزایش دسترسی به خدمات یا برابری در مراقبت، کاهش اتلاف وقت درمانجو و درمانگر، کاهش هزینه های حمل و نقل و نیز کاهش انگ بیماری [۵۰ و ۵۱] چالش هایی را نیز ایجاد می کند. اول، این مدل نیاز نیروی انسانی متخصص با مهارت برای توسعه و به کارگیری این ابزارها دارد. اگرچه استفاده از فناوری در بلندمدت هزینه های خدمات را کاهش می دهد ولی هزینه های اولیه برای راه اندازی و به کارگیری آن می تواند مانع جدی برای دریافت خدمات باشند. حریم خصوصی بیمار و امنیت داده ها یکی از مساله ها مهم در این مدل است که نیاز به توجه ویژه و سیاستگذاری در حوزه کلان دارد. [۳۵]

تفویض وظیفه به نیروی کار غیر متخصص آموزش دیده: فقدان نیروهای متخصص سلامت روان یکی از مهمترین عوامل مرتبط با شکاف مراقبتی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط است. [۳۵]

سازمان بهداشت جهانی کلید موفقیت این مدل را آموزش درست و باکیفیت افراد غیر حرفه‌ای و نظارت موثر بر آنان می‌داند. [۳۵]

مراقبت‌های اجتماع محور: بیمارستان‌های روان در اوایل قرن هجده و نوزده تحول بزرگی در برابر تیمارستان‌ها و محبس‌ها و سیاه چال‌ها بودند. نیمه دوم قرن نوزده عوارض دردناک تیمارستان‌های به ظاهر لوکس به نام بیمارستان‌های روانی بزرگ با پانصد، هزار، و دوهزار تخت روان، فاجعه بزرگ غیراخلاقی و غیرانسانی را رقم زد و تزیق مددکار اجتماعی و روانشناس و پرستار هم توانست موجب کاهش رنج بیماران، خانواده‌های آن‌ها و حتی نارضایتی کارکنان این بیمارستان‌ها شود. با توجه به این که مدل‌های سنتی مراقبت شامل مداخلات مبتنی بر بیمارستان به طور معمول مراقبت‌های بستری و سرپایی دسترسی کافی برای افراد نیازمند به خدمات مورد نیاز را فراهم نمی‌کند و استمرار خدمات و پیگیری‌های پس از ترخیص را مهیا نمی‌سازد، مدل‌های دیگر خدمات عرضه گردیدند. [۲۰] یکی از این مدل‌ها، خدمات مبتنی بر اجتماع هستند. منظور از مراقبت‌های اجتماع محور، آن دسته خدماتی است که مشارکت چند بخشی را شامل می‌شود، اعضای اجتماع مانند مراقبین سلامت محلی در آن نقش فعال دارند و عرضه خدمات در محیط اجتماع انجام می‌شود. [۱۳]

جنبش مداخلات مبتنی بر جامعه، به صورت بیمارستان زدایی، مراقبت در خانه و جامعه، کوچک کردن و بستن بیمارستان‌ها، توانبخشی در جامعه، درمان، مددکاری اجتماعی روان و مراقبت در مراکز سرپایی نه در بیمارستان، خانه‌های بین راهی، پانسیون بیماران، مراکز روزانه، مراکز شبانه، ایجاد پاتوق و باشگاه برای بیماران، مراکز کار و صنعت درمانی، تعاونی‌های بیماران روان برای تولید، هتل داری، رستوران و در آخر الگوی برنامه مدیریت مورد، چهره انسانی به این حرفه داد. این خدمات می‌تواند قابلیت دسترسی، مقبولیت، مقرون به صرفه بودن و مقیاس پذیری خدمات را افزایش داده و همچنین پایبندی به درمان را بهبود بخشیده و احتمال نتایج مثبت بالینی را ارتقا دهد. همچنین خدمات مبتنی بر اجتماع نقش حیاتی در ارتقا آگاهی سلامت روان و کاهش انگ و تبعیض ایفا می‌کند و مانع جدی برای طرد اجتماعی افراد مبتلا به اختلال روانپزشکی به شمار می‌رود. [۶۰]

ویژگی‌های اصلی مراقبت سلامت روان اجتماع محور شامل تمرکز بر سلامت عمومی، موردیابی مبتنی بر اجتماع، تصمیم‌گیری مشارکتی، حمایت هم‌تایان و خودیاری، ابتکارات درمانی با توجه به تسهیلات مراقبتی اولیه، مراقبت مرحله‌ای، سوپروایزری متخصصان و همکاری با سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. [۲۰ و ۶۱] عناصر اصلی مراقبت‌های مبتنی بر اجتماع را می‌توان چنین عنوان کرد: آموزش نیروهای برای شناسایی زود هنگام و عرضه حمایت‌های روانی اجتماعی اولیه، استقرار گروه‌های حمایتی خانواده و هم‌تایان، کاربست برنامه‌های کاهش

سازمان بهداشت جهانی با طراحی برنامه اقدام برای سلامت روان شکاف مراقبتی ایجاد شده را در این کشورها کاهش داد. [۱۵، ۵۲ و ۵۳] در این برنامه که شامل مداخلاتی یکپارچه برای شناسایی و درمان نه مورد از اختلالات روانپزشکی است، ضمن ساده‌سازی خدمات سلامت روان از نیروی غیرمتخصص آموزش دیده که در نقاط دورافتاده قابل دسترسی بودند، استفاده شده است. [۵۴] خدمات مبتنی بر جامعه در مناطق محروم از نظر منابع و امکانات، با استفاده از افراد غیرمتخصص آموزش دیده می‌تواند ارتقا یابد. [۳۴ و ۵۵]

در مدل تفویض وظیفه یا به اشتراک گذاری وظیفه، مسوولیت تامین غربالگری سلامت روان، ارجاع، مدیریت و پیگیری بین نیروهای سلامت غیرمتخصص و متخصصان حوزه سلامت تقسیم می‌شود. این مدل با مدل مراقبت مشارکتی در یک راستا بوده و شامل آموزش پزشکان عمومی، پرستاران، مراقبین اجتماع و بهورزان بوده و گروه هم‌تایان را نیز در بر می‌گیرد. [۳۵]

در حقیقت این مدل، شیوه‌ای برای تقویت و گسترش نیروی انسانی در بخش مراقبت سلامت از طریق باز توزیع وظایف بین نیروی متخصص و نیروی با آموزش و صلاحیت کمتر می‌باشد که منجر به افزایش شمار مراقبین سلامت می‌گردد. [۵۶] مطالعات مختلفی به بررسی اثربخشی خدمت‌دهی مبتنی بر مدل تفویض وظیفه بر اختلالات مختلف روانپزشکی مانند اسکیزوفرنیا، اضطراب و افسردگی پرداخته [۱۶، ۵۵، ۵۷ تا ۵۹] و ارزیابی‌های تجربی نشان می‌دهد که تفویض وظیفه سرعت دسترسی به خدمات سلامت روان را افزایش می‌دهد، به شمار بیشتری از افراد نیازمند به مراقبت سلامت روان، خدمت رسانی می‌کند و نتایج خوب سلامتی و رضایت بالای بیمار و مشاور را در پی دارد. [۱۴] عنصر کلیدی این مدل، آموزش افراد غیرحرفه‌ای برای ارزیابی و مداخله می‌باشد.

باعث فقدان یا ضعف سیاست‌های سلامت روان، قوانین ناکافی در حوزه سلامت روان، تخصیص منابع مالی ناکافی به خدمات اجتماع محور، نداشتن پوشش بیمه‌ای برای این خدمات و تخصیص نیروی انسانی ناکافی در این حوزه می‌گردد. از سوی دیگر آموزش ناکافی پرسنل، فرسودگی بالای آن‌ها به دلیل حجم کار، نظارت ناکافی و بی‌توجه به مهارت کارکنان در به کارگیری و فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماع می‌توانند منجر به شکست در این برنامه‌ها شوند. [۲۰]

استرس، حمایت توانبخشی مبتنی بر جامعه و استقرار برنامه‌های اجتماع محور برای کودکان و جوانان مبتلا به اختلال روانپزشکی. [۶۲]

مطالعات مختلفی هزینه اثربخشی مراقبت‌های اجتماع محور را ارزیابی کرده‌اند [۶۳ و ۶۴] و نشان داده‌اند هرچه در عرضه خدمات مشارکت اعضای محلی اجتماع در تصمیم‌گیری و مداخلات بیشتر شود، اثربخشی این مداخلات افزایش می‌یابد. [۱۶، ۶۵ و ۶۶] با وجود این اثربخشی، برخی موانع و چالش‌ها می‌توانند موفقیت این برنامه را به خطر بیندازند. در سطح جامعه، وجود نگرش منفی نسبت به اختلالات روانپزشکی و انگ زنی به این افراد منجر به نقض حقوق این بیماران شده و آن‌ها را در معرض تبعیض قرار می‌دهد. این نگرش منفی در سطوح تصمیم‌گیری و سیاستگذاری خود را نشان می‌دهد و

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه مقالات منتشر شده در سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۰ که به مساله شکاف مراقبتی در عرضه خدمات سلامت روان پرداخته بودند، مورد بررسی قرار گرفتند و تعداد سی و هفت مقاله مرور شد. بخش عمده مقالات به ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات سلامت روان در شبکه مراقبت اولیه پرداخته بودند و آن را راهکاری موفق در افزایش دسترسی به مراقبت‌های سلامت روان برشمرده بودند. تجربه موفق کشورهایی مانند ایران در استقرار و گسترش شبکه مراقبت اولیه در سال‌های دهه شصت و نقش موثر آن در پیشگیری اولیه از بیماری‌های مسری و عفونی مرگبار و افزایش دسترسی مردم در دورترین نقاط به سطح نخست درمان و مراقبت باعث شد تا سازمان بهداشت جهانی مهمترین راهکار کاهش شکاف مراقبتی سلامت روان در جهان را افزودن آن به شبکه مراقبت اولیه بداند. [۵، ۱۴ و ۳۶] تجربه موفق این ادغام در ایران در مطالعات مختلف گزارش شده. [۲۸ تا ۳۱] بر اساس آن‌ها تجدید نظر برنامه کشوری بهداشت روان، توسعه برنامه، تدوین دستورالعمل‌های مشخص و اجرای بازآموزی‌ها برای کارکنان خدمت دهنده در سطوح مختلف پیشنهاد شده است. [۲۸] به عبارت دیگر می‌توان گفت این راهبرد، تنها راهبرد کلان در سلامت روان و عادلانه‌ترین، در دسترس‌ترین، انگ‌زداترین، ارزاترین، ساده‌ترین، وابسته به فرهنگ‌ترین، مردمی‌ترین (مشارکت)، و یکپارچه‌ترین الگوهای مراقبت سلامت و سلامت روان شناخته شده است؛ چرا که درمان در بیمارستان‌های روانپزشکی، درمان دارویی صرف، روان‌درمانی و مشاوره بدون پرداختن به عوامل اجتماعی موثر در اختلال‌های سلامت روان به ناکارآمدی رسیده است. باید اذعان داشت مددکاران اجتماعی و نظام مددکاری اجتماعی در سلامت و به‌ویژه مددکاران اجتماعی در بیمارستان‌های روانپزشکی و در کار با این بیماران نیازمند این رویکرد نوینند که رهبری این جنبش اجتماعی را عهده‌دار شوند.

از سویی دیگر شبکه مراقبت اولیه با استقرار در اجتماع محلی زمینه مناسبی را برای عرضه مداخلات در بستر اجتماع فراهم کرده و می‌تواند نقش موثری در جلب مشارکت اعضای محلی در برنامه‌های ارتقا دهنده سلامت داشته باشد. [۴، ۱۳ و ۵۸]

در مراقبت‌های اجتماع محور اعضای اجتماع محلی به‌طور فعال در شناسایی مشکلات سلامتی اجتماع، هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای مداخله نقش دارند [۳۸، ۶۰ و ۶۵] و به‌عنوان یکی از اعضای تیم‌های درمان و توانبخشی محسوب می‌شوند. مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند ضمن تغییر نگرش نسبت به اختلالات روانپزشکی و تغییر رفتار، کاهش انگ اجتماعی بیماری را در پی داشته باشد. شواهد نشان داده از جمله مهمترین موانع دسترسی به درمان نگرش منفی جامعه و انگ نسبت به بیماری روانی است. [۴، ۱۰ تا ۱۲] مددکاران اجتماعی با رویکردهای اجتماعی به حوزه سلامت روان می‌توانند نقش موثری در فعال‌سازی اجتماع در مراقبت سلامت روان داشته باشند. آن‌ها با تسلط بر الگوهای کار جامعه‌ای و جلب مشارکت اعضای اجتماع محلی و ذی‌نفعان، فرایند توانمندسازی اجتماع را هدایت می‌کنند و تلاش می‌کنند تا زمینه دسترسی عادلانه به منابع حمایتی و مراقبتی در اجتماع محلی برای فرد مبتلا به اختلال روانپزشکی و اعضای خانواده‌اش فراهم گردد.

این رویکرد با دیدگاه‌های مددکاری اجتماعی که افراد را متخصص مشکلات خود می‌دانند، نیز همسو می‌باشد. مددکاران اجتماعی در مدل توسعه محلی با حضور در اجتماع، به‌عنوان تسهیلگر تلاش می‌کنند تا افراد اجتماع را برای حل مشکلات خود بسیج کنند.

با وجود این که راهبردهای فوق بر ساده‌سازی مراقبت‌های سلامت روان تمرکز دارد با این حال نیاز به خدمات تخصصی سلامت روان بر کسی پوشیده نیست. از جمله موانع دیگر برای دسترسی به خدمات به موقع هزینه‌های بالای درمان، مشکلات حمل و نقل و نیز انگ ناشی از مراجعه به مرکز درمانی است. یکی دیگر از راهبردهای جهانی که می‌تواند بر این موانع غالب شود، خدمات از راه دور می‌باشد. [۴۱، ۴۴، ۴۹ و ۵۱] با گسترش خطوط تلفن و شبکه گوشی‌های همراه و در نظر گرفتن ضریب نفوذ اینترنت در نقاط مختلف کشور می‌توان برای استفاده از خدمات از راه دور در مراقبت سلامت روان نیز برنامه‌ریزی کرد. به‌ویژه در شرایط فعلی که به‌دلیل پاندمی شیوع کرونا نگرانی‌ها از مراجعه نکردن افراد نیازمند به خدمات روانپزشکی افزایش یافته، [۲۱] مراقبت‌های از راه دور از طریق تلفن، گوشی همراه، برنامه‌ها و نرم افزارهای تحت وب برای غربالگری، تشخیص و درمان به موقع و نیز پیشگیری از عود بسیار راهگشا خواهد بود.

پیشنهادهای: در آخر پیشنهاد می‌شود با هدف راهبردی چون عدالت در سلامت، شفاف‌سازی و پیشگیری از فساد و روابط ناکارآمد سازمانی، مشارکت اجتماعی، کاهش هزینه‌ها، پاسخگویی، مشتری‌مداری؛ برنامه‌هایی برای اطلاع‌رسانی، مددکاری اجتماعی، حمایت روانی اجتماعی، مداخله در بحران، راهنمایی و مشاوره تحت وب باید طراحی گردد. با وجود این راهبردهای جهانی، نیاز به برنامه‌ریزی در سطوح کلان کشور در خصوص این راهبردها و تحول و به‌سازی ساختارهای موجود به‌ویژه از نظر حمایت‌های مالی و قانونی بسیار احساس می‌شود. پوشش ضعیف بیمه‌ای برای خدمات درمانی روانپزشکی و پوشش ندادن بیمه‌ای برای خدمات پیشگیری و توانبخشی از جمله موانع بزرگ در این مسیر است که می‌تواند بر اثربخشی این خدمات تاثیرگذار باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در این زمینه سیاستگذاران کلان تسهیلاتی در نظر گیرند.

از جمله راهبردهای مهم سازمان بهداشت جهانی در کشورهایی که به‌دلیل کمبود نیروی متخصص شکاف مراقبتی بالا را تجربه می‌کنند، راهبرد تفویض وظیفه است که طی آن نیروی انسانی غیرمتخصص از طریق آموزش و سرپرستی بخشی از وظایف کار متخصص را برای ارزیابی، غربالگری، تشخیص و عرضه مراقبت‌های لازم و نیز پیگیری برعهده می‌گیرد. [۹، ۱۴، ۳۸، ۵۲ و ۵۴] در زنجیره ارجاع به روانپزشک، فوق تخصص روانپزشکی و روانشناس بالینی و مشاور، ابتدا به کارگیری داوطلب‌های بهداشتی، بهورزان، همیاران سلامت، مددکاران اجتماعی، کارشناس‌های بهداشت، روانشناس‌ها و پزشکان عمومی مراقبت اولیه را ارایه می‌دهند. نیروهای غیرمتخصص با هدایت انجمن‌های غیردولتی، خیریه‌ها، جنبش‌های داوطلب، پیراپزشکان، شبکه‌های کشوری حمایتی و بخش خصوصی وارد مراقبت سلامت روان شده‌اند؛ در این راستا بخش عمده‌ای از سرمایه و برنامه‌های آموزشی به تربیت و ظرفیت‌سازی نیروی انسانی غیرمتخصص اختصاص و برای شبکه سلامت روان و بیماران روان به‌کار گرفته می‌شود.

این راهبرد را حلقه متصله به دو راهبرد قبلی دانست. چرا که ادغام مراقبت‌های سلامت روان در شبکه بهداشت اولیه و خدمت‌دهی در بستر اجتماع نیاز جدی به نیروی انسانی کافی دارد و اعضای اجتماع محلی و شبکه حمایتی فرد مبتلا به اختلال روانپزشکی بهترین و در دسترس‌ترین افراد برای آموزش و عرضه مراقبت به موقع و مناسب هستند. [۱۶]

منابع

References:

1. Farreras IG. History of mental illness. In R. Biswas-Diener, & E. Diener (Eds.), Noba Textbook Series: Psychology. DEF Publishers. 2019. 244 p.
2. Vos T, Abajobir AA, Abate KH, Abbafati C, Abbas KM, Abd-Allah F, et al. Global, regional, and national incidence, prevalence, and years lived with disability for 328 diseases and injuries for 195 countries, 1990–2016: A systematic analysis for the global burden of disease study 2016. The Lancet. 2017;390(10100):1211-59.

3. Vanda Sharifi M, Hajebi A, Radgoodarzi R. Twelve-month prevalence and correlates of psychiatric disorders in Iran: The Iranian mental health survey, 2011. *Archives of Iranian medicine*. 2015;18(2):76.
4. Henderson C, Evans-Lacko S, Thornicroft G. Mental illness stigma, help seeking, and public health programs. *American Journal of Public Health*. 2013;103(5):777-80.
5. World Health Organization. (2003). Investing in mental health. World Health Organization. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/42823>. Geneva, WHO.
6. Patel V, Maj M, Flisher AJ, De Silva MJ, Koschorke M, Prince M, et al. Reducing the treatment gap for mental disorders: A WPA survey. *World Psychiatry*. 2010;9(3):169-76.
7. Rowan K, McAlpine DD, Blewett LA. Access and cost barriers to mental health care, by insurance status, 1999–2010. *Health Affairs*. 2013;32(10):1723-30.
8. Wang PS, Aguilar-Gaxiola S, Alonso J, Angermeyer MC, Borges G, Bromet EJ, et al. Use of mental health services for anxiety, mood, and substance disorders in 17 countries in the WHO world mental health surveys. *The Lancet*. 2007;370(9590):841-50.
9. Lund C, Tomlinson M, De Silva M, Fekadu A, Shidhaye R, Jordans M, et al. PRIME: A programme to reduce the treatment gap for mental disorders in five low-and middle-income countries. *PLoS Med*. 2012;9(12):e1001359.
10. Crowe A, Mullen PR, Littlewood K. Self-stigma, mental health literacy, and health outcomes in integrated care. *Journal of Counseling & Development*. 2018;96(3):267-77.
11. Gulliver A, Griffiths KM, Christensen H. Perceived barriers and facilitators to mental health help-seeking in young people: A systematic review. *BMC Psychiatry*. 2010;10(1):113.
12. Jack-Ide IO, Uys L. Barriers to mental health services utilization in the Niger Delta region of Nigeria: service users' perspectives. *The Pan African Medical Journal*. 2013;14.
13. Castillo EG, Ijadi-Maghsoodi R, Shadravan S, Moore E, Mensah MO, Docherty M, et al. Community interventions to promote mental health and social equity. *Current Psychiatry Reports*. 2019;21(5):35.
14. World Health Organization. Integrating mental health in primary care: A global perspective. Geneva, WHO. 2008.
15. World Health Organization. Task shifting: Global recommendations and guidelines. Geneva: World Health Organization. 2008.
16. Malakouti SK, Nojomi M, Panaghi L, Chimeh N, Mottaghipour Y, Joghatai MT, et al. Case-management for patients with schizophrenia in Iran: A comparative study of the clinical outcomes of mental health workers and consumers' family members as case managers. *Community Mental Health Journal*. 2009;45(6):447. [Persian]
17. Mechanic D, Rochefort DA. Deinstitutionalization: An appraisal of reform. *Annual Review of Sociology*. 1990;16(1):301-27.
18. Shen GC, Snowden LR. Institutionalization of deinstitutionalization: A cross-national analysis of mental health system reform. *International journal of mental health systems*. 2014;8(1):47.
19. Knapp M, Beecham J, McDaid D, Matosevic T, Smith M. The economic consequences of deinstitutionalisation of mental health services: Lessons from a systematic review of European experience. *Health & Social Care in the Community*. 2011;19(2):113-25.
20. Thornicroft G, Deb T, Henderson C. Community mental health care worldwide: Current status and further developments. *World Psychiatry*. 2016;15(3):86-276.
21. Chobineh H, Noorbala AA, Bagheri-Yazdi SA, Bolhari J, Golmakani MM, Haghani E. Effectiveness of online stress management intervention on mental health status of tehran municipality employees with covid-19 2021;8(3):209-214. DOI: 10.29252/jech.8.3.209
22. Norfleet KR, Ratzliff AD, Chan Y-F, Raney LE, Unützer J. The role of the integrated care psychiatrist in community settings: A survey of psychiatrists' perspectives. *Psychiatric Services*. 2016;67(3):346-9.
23. Curtis R, Christian E. Integrated care: Applying theory to practice: Taylor & Francis; 2012.
24. Goodwin N. Understanding integrated care. *International Journal of Integrated Care*. 2016;16(4).
25. Starfield B, Shi L. Policy relevant determinants of health: An international perspective. *Health Policy*. 2002;60(3):201-18.
26. World Health Organization. The world health report 2008—primary health care, now more than ever. Geneva: WHO; 2008. Google Scholar. 2017.
27. Wakida EK, Talib ZM, Akena D, Okello ES, Kinengyere A, Mindra A, et al. Barriers and facilitators to the integration of mental health services into primary health care: A systematic review. *Systematic Reviews*. 2018;7(1):211.
28. Bolhari J, Ahmadkhaniha H, Hajebi A, Yazdi SAB, Naserbakht M, Karimi-Kisomi I, et al. Evaluation of mental health program integration into the primary health care system of Iran. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*. 2012;17(4).[Persian]
29. Bolhari J, Kabir K, Hajebi A, Bagheri Yazdi SA, Rafiei H, Ahmadzad Asl M, et al. Revision of the

integration of mental health into primary healthcare program and the family physician program. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2016;22(2):134-46.[Persian]

30. Shahmohammadi S, Yaghobi H, Bolhari J, Moshirpour S. Integration of mental health care in primary health care program in Iran: A systematic review. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2013;19(1):3-8.[Persian]

31. Shariat SV, Mansouri N, Gharraee B, Bolhari J, Yousefi Nourai R, Rahimi Movaghar A. Attitude, knowledge, and satisfaction of health personnel and general population about the program of integration of mental health in PHC in Iran: Systematic review. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2011;17(2):85-98.[Persian]

32. Tairi F, Asgharnejad Farid A-a, Bolhari J, Ghazizade A. Evaluation of mental health program integration into the primary health care system of Sanandaj district. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2007;12(4):403-9. [Persian]

33. Lancet Global Mental Health Group; Chisholm D, Flisher AJ, Lund C, Patel V, Saxena S, Thornicroft G, Tomlinson M. Scale up services for mental disorders: A call for action. *The Lancet*. 2007;370(9594):1241-52.

34. Saraceno B, Gater R, Rahman A, Saeed K, Eaton J, Lvbijaro G, et al. Reorganization of mental health services: From institutional to community-based models of care. *Eastern Mediterranean Health Journal*. 2015;21(7):477-85.

35. Rebello TJ, Marques A, Gureje O, Pike KM. Innovative strategies for closing the mental health treatment gap globally. *Current Opinion in Psychiatry*. 2014;27(4):308-14.

36. Greenhalgh T. WHO/WONCA report-integrating mental health in primary care: A global perspective. *London Journal of Primary care*. 2009;2(1):81.

37. Jenkins R, Kiima D, Njenga F, Okonji M, Kingora J, Kathuku D, et al. Integration of mental health into primary care in Kenya. *World Psychiatry*. 2010;9(2):118.

38. Kauye F, Jenkins R, Rahman A. Training primary health care workers in mental health and its impact on diagnoses of common mental disorders in primary care of a developing country, Malawi: A cluster-randomized controlled trial. *Psychological medicine*. 2014;44(3):657-66.

39. Petterson S, Miller BF, Payne-Murphy JC, Phillips Jr RL. Mental health treatment in the primary care setting: Patterns and pathways. *Families, Systems, & Health*. 2014;32(2):157.

40. Sadik S, Abdulrahman S, Bradley M, Jenkins R. Integrating mental health into primary health care in Iraq. *Mental Health in Family Medicine*. 2011;8(1):39.

41. Lopez A, Schwenk S, Schneek CD, Griffin RJ, Mishkind MC. Technology-based mental health treatment and the impact on the therapeutic alliance. *Current Psychiatry Reports*. 2019;21(8):76.

42. Rangaswamy T. Using mobile telepsychiatry to close the mental health gap. *Current Psychiatry Reports*. 2012;14(3):167-8.

43. Bahloul HJ, Mani N. International telepsychiatry: A review of what has been published. *Journal of Telemedicine and Telecare*. 2013;19(5):293-4.

44. García-Lizana F, Muñoz-Mayorga I. What about telepsychiatry? A systematic review. *Primary Care Companion to the Journal of Clinical Psychiatry*. 2010;12(2).

45. Ainsworth J, Palmier-Claus JE, Machin M, Barrowclough C, Dunn G, Rogers A, et al. A comparison of two delivery modalities of a mobile phone-based assessment for serious mental illness: native smartphone application vs text-messaging only implementations. *Journal of Medical Internet Research*. 2013;15(4):e60.

46. Ben-Zeev D, Kaiser SM, Brenner CJ, Begale M, Duffecy J, Mohr DC. Development and usability testing of FOCUS: A smartphone system for self-management of schizophrenia. *Psychiatric Rehabilitation Journal*. 2013;36(4):289.

47. Mall S, Sibeko G, Temmingh H, Stein D, Milligan P, Lund C. Using a treatment partner and text messaging to improve adherence to psychotropic medication: A qualitative formative study of service users and caregivers in Cape Town, South Africa. *African Journal of Psychiatry*. 2013;16(5):364-70.

48. Naslund JA, Marsch LA, McHugo GJ, Bartels SJ. Emerging mHealth and eHealth interventions for serious mental illness: A review of the literature. *Journal of Mental Health*. 2015;24(5):321-32.

49. Zhao J, Freeman B, Li M. Can mobile phone apps influence people's health behavior change? An evidence review. *Journal of Medical Internet Research*. 2016;18(11):e287.

50. Erbe D, Eichert H-C, Riper H, Ebert DD. Blending face-to-face and internet-based interventions for the treatment of mental disorders in adults: Systematic review. *Journal of Medical Internet Research*. 2017;19(9):e306.

51. Tucker B. Telepsychiatry 2019; Available from: <https://insighttelepsychiatry.com/tag/white-paper/>.

52. Keynejad RC, Dua T, Barbui C, Thornicroft G. WHO Mental Health Gap Action Programme (mh-GAP) Intervention guide: A systematic review of evidence from low and middle-income countries. *Evi-*

dence-Based Mental Health. 2018;21(1):30-4.

53. Wainberg ML, Scorza P, Shultz JM, Helpman L, Mootz JJ, Johnson KA, et al. Challenges and opportunities in global mental health: A research-to-practice perspective. *Current Psychiatry Reports*. 2017;19(5):28.

54. World Health Organization. mhGAP Intervention Guide Mental Health Gap Action Programme Version 2.0 for mental, neurological and substance use disorders in non-specialized health settings. World Health Organization. 2016:1-173.

55. Patel V, Weiss HA, Chowdhary N, Naik S, Pednekar S, Chatterjee S, et al. Effectiveness of an intervention led by lay health counsellors for depressive and anxiety disorders in primary care in Goa, India (MANAS): A cluster randomised controlled trial. *The Lancet*. 2010;376(9758):2086-95.

56. Kazdin AE, Rabbitt SM. Novel models for delivering mental health services and reducing the burdens of mental illness. *Clinical Psychological Science*. 2013;1(2):170-91.

57. Abdulmalik J, Kola L, Fadahunsi W, Adebayo K, Yasamy MT, Musa E, et al. Country contextualization of the mental health gap action programme intervention guide: A case study from Nigeria. *PLoS Med*. 2013;10(8):e1001501.

58. Balaji M, Chatterjee S, Koschorke M, Rangaswamy T, Chavan A, Dabholkar H, et al. The development of a lay health worker delivered collaborative community based intervention for people with schizophrenia in India. *BMC Health Services Research*. 2012;12(1):42.

59. Rahman A, Malik A, Sikander S, Roberts C, Creed F. Cognitive behaviour therapy-based intervention by community health workers for mothers with depression and their infants in rural Pakistan: A cluster-randomised controlled trial. *The Lancet*. 2008;372(9642):902-9.

60. Kohrt BA, Asher L, Bhardwaj A, Fazel M, Jordans MJ, Mutamba BB, et al. The role of communities in mental health care in low-and middle-income countries: A meta-review of components and competencies. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2018;15(6):1279.

61. Thornicroft G, Alem A, Dos Santos RA, Barley E, Drake RE, Gregorio G, et al. WPA guidance on steps, obstacles and mistakes to avoid in the implementation of community mental health care. *World Psychiatry*. 2010;9(2):67.

62. Patel V, Chisholm D, Parikh R, Charlson FJ, Degenhardt L, Dua T, et al. Addressing the burden of mental, neurological, and substance use disorders: Key messages from disease control priorities. *The Lancet*. 2016;387(10028):1672-85.

63. Shidhaye R, Murhar V, Gangale S, Aldridge L, Shastri R, Parikh R, et al. The effect of VISHRAM, a grass-roots community-based mental health programme, on the treatment gap for depression in rural communities in India: A population-based study. *The Lancet Psychiatry*. 2017;4(2):128-35.

64. Winkler P, Koeser L, Kondráťová L, Broulíková HM, Páv M, Kališová L, et al. Cost-effectiveness of care for people with psychosis in the community and psychiatric hospitals in the Czech Republic: An economic analysis. *The Lancet Psychiatry*. 2018;5(12):1023-31.

65. Joag K, Shields-Zeeman L, Kapadia-Kundu N, Kawade R, Balaji M, Pathare S. Feasibility and acceptability of a novel community-based mental health intervention delivered by community volunteers in Maharashtra, India: the Atmiyata programme. *BMC Psychiatry*. 2020;20(1):48.

66. Zanin AC, Piercy CW. The structuration of community-based mental health care: A duality analysis of a volunteer group's local agency. *Qualitative Health Research*. 2019;29(2):184-97.